

تاریخ وصول: ۸۷/۵/۲۰

تاریخ پذیرش: ۸۷/۷/۲۷

معرفی «رساله فقهیه» علامه اشرفی و بعضی از آراء خاص او

دکتر علی اکبر ایزدی فرد *

چکیده:

«رساله فقهیه» یکی از آثار گران بها و ارزشمند عالم جلیل القدر، فقیه عارف و عامل حجت الاسلام ملامحمد اشرفی است. این کتاب که به عنوان «رساله علمیه» برای مقلدین به رشته تحریر درآمده در باب عبادات و عقود است. مباحثی که در این رساله آمده است در بسیاری از موارد با توجه به نظرات عمیق و فروع متعدد که مطرح شده آن را از حد یک رساله عملیه خارج نموده و از این رو می تواند برای اهل فن و محققین در رشته فقه و حقوق اسلامی بسیار مفید باشد. مقاله حاضر درصدد معرفی این اثر و بعضی از آراء خاص او در ابواب مختلف فقهی است.

کلید واژه ها: اشرفی، رساله فقهیه، تقلید، رشد، نماز، سجده، حواله، ربا،

ضمیمه.

* استاد فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه مازندران

Ali85Akbar@Yahoo.com

مقدمه

علامه ملا محمد اشرفی معروف به شریف العلماء در نیمه شعبان سال ۱۲۹۹ هجری قمری در شهرستان بهشهر دیده به جهان گشود و به یمن این روز فرخنده او را «محمد» نامیده‌اند. (حبیب آبادی، ۱۳۷۷، ۳، ۲۲۳) از همان اوان کودکی که پدرش را از دست داد، تحت تربیت مادرش به مکتبخانه رفت. سپس به مدرسه شیخ مولی ابراهیم مازندرانی مشهور به «سیاه» که از افاضل زمانش بود عزیمت کرد، (امامی خویی، بی‌تا، ۲، ۱۱۹۳) و پس از آن به مدرسه ملا صفر علی در بهشهر رفت تا از اساتید بنامی چون ملا صفر علی در بهشهر رفت تا از اساتید بنامی چون ملا صفر علی در بهشهر رفت تا از اساتید بنامی چون ملا صفر علی (شارح دعای کمیل) و شیخ عبدالله اشرفی (تهرانی، ۲، ۱۴۰۴، ۶۷۲، ۷۲۶) و ملا محمدباقر هزار جریبی (حجتی، ۱۳۸۶، ۲۶) بهره‌مند گردد.

پس از تکمیل دوره مقدماتی که سن تقریبی‌اش در حدود پانزده سال یا شانزده سال بود، به شهر بارفروش (بابل) آمد و از محضر فقیه سعید مرحوم سعیدالعلماء کسب فیض نمود. (مدرس، بی‌تا، ۱، ۱۲۸) آنگاه به اصفهان عزیمت کرد و از محضر عالم فاضل سید محمدباقر شفتی معروف به حجت الاسلام شفتی به مدت چهار سال کسب علم و معرفت نمود. حجت الاسلام شفتی پس از موفقیت شایان ملامحمداشرفی وی را به لقب «حجه الاسلام» که در آن زمان به سادگی به کسی اطلاق نمی‌شد، مفتخر گردانید. (حجتی، ۱۳۸۶، ۲۷)

مرحوم ملامحمداشرفی برای تکمیل اطلاعات دینی و فقهی‌اش به حوزه نجف اشرف رفت و در آنجا خدمت دو فقیه بزرگ شیخ محمد حسن نجفی (صاحب جواهر الکلام) و شیخ مرتضی انصاری (صاحب مکاسب و رسایل) تلمذ نمود. (مدرس، بی‌تا، ۱، ۱۲۸ - اعتماد السلطنه، بی‌تا، ۱۴۳) پس از سال‌ها تحصیل و تحقیق به اصرار جمعی از مؤمنین گرگان و مازندران به بهشهر آمد و در آنجا به تدریس و تبلیغ مشغول شد. پس از وفات علامه سعیدالعلماء و با تقاضای مردم بابل به این شهر عزیمت نمود و در اندک زمانی به برکت وجود او حوزه علمیه این شهر رونق گرفت و طلاب فراوانی را تربیت کرد. (حجتی، ۱۳۸۶، ۳۲ و ۳۳) در این زمان بود که کار مرجعیت او رونق گرفت و موجب شد که مردم مازندران، گیلان، دیلمان و قومس (سمنان وری) به تقلید از وی آورند به طوری که رساله عملیه او چندین بار به صورت سنگی منتشر شد.



حجت‌الاسلام اشرفی پس از سال‌ها تحصی، تحقیق، تبلیغ و تربیت شاگردان مبرز و برجسته و کسب مدارج عالیه علمی و معنوی در ماه مبارک رمضان سال ۱۳۱۵ هجری قمری در سن ۹۵ سالگی دار فانی را وداع و در بابل مدفون گردید.

«رساله فقهیه» حجت‌الاسلام اشرفی

مرحوم اشرفی در طول عمر پربرکت خود آثار فراوانی را از خود به جای گذاشت، از جمله: شعایرالاسلام، اسرارالشهاده، تفصیل برزخیه، تفسیر سوره قدر، المزار، منهج و مائده. یکی از تألیفات او کتابی است پیرامون احکام عبادات و عقود که همان «رساله فقهیه» اوست و به نام «رساله عملیه» نیز معروف است. این کتاب به قطع خشتی حدوداً ۳۵۰ صفحه بدون شماره صفحه و در سال ۱۳۰۱ هجری قمری به قلم محمدعلی تبریزی فرزند میرزا محمد شفیع خوشنویس به رشته تحریر درآمده است.

ناشر کتاب مزبور در صفحه دوم کتاب با این عبارت به معرفی رساله می‌پردازد: «هو رساله جناب حجه‌الاسلام و نخبه العلماء العظام و الفقها الکرام و المجتهدین الفخام، مرجع الخواص و العوام، مبین احکام الحلال و الحرامف مروج شریعت خیرالانام، حاوی الاصول و الفروع، جامع المعقول و المنقول، البحر الملیّ و العالم الوفیّ، الحاج ملا محمد الاشرفی.»

۳۱

این کتاب به نوشته ملا محمد اشرفی در مقدمه رساله فقهیه، اول کتابی است که قبل از شعایرالاسلام و منهج و مائده در جمادی‌الاولی سال ۱۲۹۷ هجری قمری به استعدای جمعی از اخلاء روحانی در باب عبادات و عقود با احتراز از ایجاز و اطناب تدوین شده است، اما مباحثی که در آن مطرح شده در بسیاری از موارد با توجه به نظرات عمیق و فروعات متعددی که آمده، آن را از حد یک رساله عملیه - که می‌تواند برای عموم مردم نیز قابل استفاده باشد - خارج نموده و از این رو می‌تواند برای اهل فن و محققین در رشته فقه و حقوق اسلامی بسیار مفید باشد.

حجت‌الاسلام اشرفی در این کتاب فتاوی خود را با عباراتی چون اقوی، اظهر، ظاهر، دور نیست، خالی از رجحان نیست و خالی از قوت نیست، آورده است. آنگاه گوید: احوط وقتی که در مقابل فتوای مذکور نباشد، فتوانیست لکن چون فتوای مذکور نیست، کسی که بخواهد به احقر انام

رجوع نماید باید به همان نحو عمل نماید و همچنین است لفظ «قدر متقین» و لفظ «اگر نگوئیم اقوی».

یکی از ویژگی‌های مهم «رساله فقهیه» مرحوم اشرفی طرح مباحث همراه با فروعات مختلف آن است که حکایت از دقت نظر و موشکافی‌های دقیق او دارد. به عنوان نمونه در ارتباط با ضمیر خطاب در «السلام علیکم» گوید: «پس اگر مصلی مأموم است در سلام اول؛ یعنی اول دفعه که سلام مذکور را می‌گوید، در حالتی که اشاره کننده است به صفحه روی به جانب راست، اراده نماید ملکین خود را و مأمومین راست را و ملائکه مستحفظین؛ یعنی دو ملک مؤکل به هر یک از ایشان را و امام را و دو ملک مؤکل به امام را، که بالنسبه به امام به منزله رد سلام و بالنسبه به ملائکه و دیگران به منزله ابتدا به سلام است و اگر مأموم همچون مأمومی باشد که در جانب راست او کسی نباشد، قصد می‌نماید دو ملک خود و امام و دو ملک امام را و در سلام ثانی اراده نماید مأمومین جانب چپ را با دو ملک هر یک، و اگر امام باشد اراده نماید ملکین و مجموع مأمومین را و اگر ضم نماید ملائکه و مستحفظین ایشان را نیز عیبی ندارد. و اگر منفرد باشد اراده نماید ملکین خود را و عمل کردن به این تفصیل امید هست که بی‌عیب باشد اگرچه ممکن است اقسام دیگر؛ مثل این که اراده نماید منفرد دو ملک خود و جمیع نیکان از جن و انس و جمیع ملائکه را که این هم شاید بی‌عیب باشد و چنان نیست که باعث بطلان نماز شود.»

یکی دیگر از ویژگی‌های بارز «رساله فقهیه» این است که می‌بینیم برخی از فتاوی مرحوم اشرفی متأثر از حالت معنوی یعنی بهره‌وری از احکام شرع در جهت خودسازی و تقرب الی الله بوده است.

به عنوان نمونه در بحث نیت اینکه در نماز اصل عمل باید خاص برای خداوند باشد ولی اگر فایده دیگری که مشروع است بر آن مترتب گردد، گوید: «همچنین ضرر ندارد از این قبیل اعتبارات مباحه در کیفیات بعد از این که اصل عمل از برای فرمانبرداری خدا باشد... و همین که عمل به جهت فرمانبرداری حضرت پروردگار جل شأنه واقع شود، ضرر ندارد که داعی بر امتثال مزد گرفتن باشد از پروردگار؛ مثل اینکه داخل بهشت نماید یا از عذاب جهنم نجات دهد بلکه اگر عمل را به جهت فرمانبرداری خداوند کریم نماید لکن ثواب عمل را از عذاب جهنم نجات دهد



بلکه اگر عمل را به جهت فرمانبرداری خداوند کریم نماید لکن ثواب عمل را از خداوند کریم در دنیا بخواهد از مطالب مشروعه، اظهر صحت عمل است، خصوصاً در اعمال مندوبه لکن احتیاط شدید در مراعات اجتناب از قصد فواید دنیویه است بلکه احوط اجتناب از قصد تحصیل ثواب و خلاصی از عذاب است در فرایض و نیز در بسیاری از اعمال مندوبه بهنجوی که بوده باشد آن قصد باعث بر فعل و افضل بجا آوردن عمل است به جهت بودن حضرت معبود سزاوار عبادت از غیر مراعات نفعی و دفع ضرری زیرا که آن مزدوری و خودپرستی است نه بندگی و خداپرستی.»

فتاوی خاص حجت الاسلام اشرفی

مرحوم اشرفی در این کتاب ارزشمند در کنار نظرات فقها آراء خود را نیز مطرح می‌کرد که به عنوان نظرات خاص او محسوب می‌شود. در این قسمت به مهمترین آراء او اشاره می‌شود:

(۱) یکی از موضوعاتی که امروزه در جوامع حوزوی مطرح است، تبعیض در تقلید است؛ به این معنا که مقلد می‌تواند در مسایل مختلف مانند نماز، روزه، زکات، خمس و معاملات دارای مراجع تقلید متعدد باشد. مرحوم اشرفی ضمن طرح این موضوع معتقد است که حتی می‌توان در یک باب مثلاً نماز از چند مجتهد تقلید کرد. وی می‌گوید: «مثل این که در اجزاء و شرایط صلوه تقلید مجتهدی کند و در احکام خلل تقلید مجتهدی، یا در صلوه یومیه تقلید مجتهدی کند و در صلوه آیات مجتهد دیگر، یا در بعضی از مسایل بیوع تقلید مجتهدی کند و در بعضی از آن تقلید مجتهدی. مجماً همین که واقعاً دو مسئله جدا می‌باشند، ضرر ندارد تعدد مجتهد، حتی این که می‌شود در مسایل خیار عیب مثلاً تقلید مجتهدی کند و در مسایل خیار غبن تقلید مجتهد دیگر.»

(۲) یکی از نظرات ایشان عدم لزوم تقلید از اعلم در بعضی موارد است، چنان که گوید: «لازم نیست به اعتقاد اقل انام تقلید اعلم از مجتهدین، خصوصاً در مسایل مدونه در کتب مشهوره ما بین اصحاب و احوط مراعات و ثوق است؛ یعنی احوط این است که در ابتداء تقلید، مکلف اختیار کند فتوای کسی را که در نزد او فتاوی او اقرب به واقع باشد. پس اگر مثلاً زید و عمرو و بکر مجتهد باشند و زید اعلم و اوثق باشد و مکلف در مسایل فرعیه تقلید او نموده باشد و بعد از وفات او عمرو اعلم از بکر باشد لکن در محل اختلاف، فتوای بکر موافق باشد با فتوای زید که اعلم و افقه از هر



دو بود، در این صورت وثوق و اعتماد به بکر غالباً زیاده خواهد بود. در همه جا نمی‌توان گفت که احوط اختیار تقلید عمرو است.»

۳) به نظر مشهور فقها از مجتهدی باید تقلید کرد که مرد، بالغ، عاقل، شیعه دوازده امامی، حلال زاده، زنده و عادل باشد. مرحوم اشرفی علاوه بر شروط فوق‌الذکر، رشید بودن را نیز به عنوان یکی از شرایط ذکر کرده است، رشید به کسی گویند که دارای عقل معاش بوده و نفع و ضرر را تشخیص دهد. از این رو می‌توان گفت که به نظر ایشان مجتهد باید در مسایل اقتصادی و در امور مربوط به معاملات به معنای اعم از رشد کافی و شم بالا که همان آگاهی و زیرکی اوست، برخوردار باشد. پرواضح است که رشید بودن به معنایی که ذکر شد غیر از حریص بودن نسبت به دنیا و دنیا طلبی است.

۴) به نظر بسیاری از فقها غسله حمام مادامی که علم به طهارتش حاصل نشود، محکوم به نجاست است. مرحوم اشرفی ضمن ضعیف دانستن قول مزبور، معتقد است در غسله آب حمام اصل بر طهارت بوده و پاک است. لذا اگر چیزی با آن ملاقات کرد شستن آن لازم نیست مگر این که نجس بودن آن محرز گردد.

۵) به نظر مشهور فقها مردی که مرتد فطری شده توبه‌اش قبول نمی‌شود و قتلش واجب است، اما مرحوم اشرفی قایل به توبه مرتد فطری است. وی گوید: «و اشکال معتد به نیست در جاری شدن حکم به طهارت بر مرتد فطری بعد از توبه بالنسبه به تکلیف خود او بین و بین ربه و صحت عبادات او... و مراد از توبه در اینجا علاوه بر ندامت، این است که اعتراف نماید به آنچه انکار کرده بود، اگر سبب ارتداد انکار بود بلکه تعظیم و احترام نماید آنچه را که اهانت کرده بود، اگر سبب استخفاف و اهانت واقع شده باشد که این قسم قدر متقین از توبه است در این مقام.»

۶) در کتب فقهی در بیان اقسام نماز، آن را به واجب و مستحب تقسیم می‌کنند، اما مرحوم اشرفی علاوه بر آن دو، قسم دیگری را نیز ذکر می‌کند که در کتب فقهی بدان اشاره نشده است و آن نماز اصلی است. براساس این تقسیم بندی، نماز اصلی نمازی است که حقیقتاً نماز محسوب شود. در مقابل آن نماز غیر اصلی است؛ مانند نماز میت که نماز نیست بلکه نوعی دعا و مانند آن است و لذا بدون وضو یا غسل یا تیمم نیز می‌توان آن را خواند. البته می‌توان معنای دیگری نیز از



نماز اصلی داشت و آن نمازی است که وجوبش نفسی بوده و به علتی دیگر - جز شرایط عامه تکلیف - وابسته نباشد؛ مانند نمازهای یومیه. قسم دیگر نمازهایی است که وجوب آن به علت چیز دیگر است؛ مانند نمازهایی که به واسطه اجاره، نذر، عهد و قسم واجب می‌شود.

۷) یکی از اصطلاحاتی که مرحوم اشرفی در رساله فقهیه خود آورده، اداء حکمی است. اداء حکمی عبارت است از انجام بخشی از نماز در وقت خود که در مقابل آن اداء حقیقی است و آن عبارت است از انجام نماز در داخل وقت به‌طور کامل. وی اداء حکمی نماز را در باب تیمم مطرح کرده و گوید: «اگر نماز واقع شود به نحو مشروع در سعه وقت و آب یافت شود در اثناء نماز که اگر شخص مصلی قطع صلوه و تحصیل طهارت اختیاریه کند و استیناف صلوه کند، صلوه را ادا دریابد و لااقل بتواند یک رکعت از نماز را در وقت دریابد که وقت اضطراری دریافته شود و ادای حکمی شود.»

۸) مشهور فقها در مورد کسی که نتواند موقع نماز قبله را تشخیص دهد، معتقدند که اگر وقت وسعت داشته باشد باید به چهار طرف نماز بگذارد و اگر در تنگی وقت باشد و به اندازه چهار نماز وقت ندارد به مقداری که وقت دارد نماز بخواند؛ مثلاً اگر به اندازه یک نماز وقت داشته باشد باید آن را به هر طرفی که می‌خواهد، بخواند. فقها در این نظریه قایل به قرعه نشده‌اند، حتی شهیدثانی در شرح لمعه (۱، ۲۰۱) این قول را که به نقل از سیدرضی‌الدین بن طاوس آورده، نادر وضعیف دانسته است، اما مرحوم اشرفی آن را احوط دانسته و گوید: «اگر شخص متحیر به اعتبار تنگی وقت قادر نباشد بر بجا آوردن چهار نماز، اکتفا نماید به هر قدر که وقت وسعت داشته باشد، حتی در صورتی که وسعت زیاده از یک نماز نداشته باشد. ساقط می‌شود اعتبار تعدد لکن در این صورت اگر ممکن شود مراعات قرعه، مراعات آن احوط است.»

۹) به نظر مشهور فقها وقت نافله ظهر و عصر با گذشتن مقدار کمی از فضیلت نماز ظهر و عصر منقضی می‌شود، هرچند که برخی دیگر معتقدند تا انتهاء وقت فضیلت آن دو نماز، می‌توان نافله ظهر و عصر را خواند. مرحوم اشرفی علاوه بر پذیرفتن نظریه اخیر معتقد است که نافله ظهر و عصر را می‌توان تا زمانی که وقت فرضیه نماز ظهر و عصر ضیق نشده بجا آورد و می‌گوید: «بلکه به نظرم قوی می‌آید جواز اتیان به نافله هر یک از ظهر و عصر تا وقتی که تنگ شود وقت



فریضه. «آنگاه می‌افزاید: «این قدر را لامحاله عمل کنند که شیطان اکثری را به همین خیال انقضای زمان نافله و تنگ بودن وقت آن محروم می‌سازد از ادراک این فیض عظیم.»

علامه اشرفی در مورد سقوط نوافل نماز در سفر که نماز واجب قصر می‌شود و مشهور بدان قائلند، نیز گوید: «به نظر احقر انام به عمل آوردن آن به امید ادراک این فضیلت که در آن روایت وارد شده و ادراک آن ثواب، بی‌عیب است، و چون به امید رسیدن به آن فیض است، دور نیست که به آن فائز شود.»

۱۰) به نظر مشهور فقها در گفتن اقامه طهارت شرط نیست و حتی ابن زهره در غنیه ادعای اجماع بر استحباب آن نموده است، اما به نظر مرحوم اشرفی در اقامه شرط است که انسان با طهارت باشد. وی گوید: «نظر به این که اگر بی‌طهارت اقامه بگویند و به جهت نماز اتیان به طهارت نماید، مابین اقامه و نماز فصل معتدبه متخلل می‌شود، از این راه نیز صحت اقامه مشکل است.»

۱۱) به نظر مشهور فقها صوت زنان عورت محسوب شده و در نمازهای جهریه به ویژه زمانی که صدای او را مرد بیگانه بشنود، حرام است که با صدای بلند نماز بخواند. علامه اشرفی گوید: «مشهور این است که لازم است برایشان اخفات در صورتی که بشنود صوت ایشان را اجنبی و دلیل آن بر حقیر معلوم نیست زیرا که در نزد احقر صوت زنان عورت نیست و با عدم تلذذ و ریبه استماع آن حرام نیست.»

۱۲) به نظر علامه اشرفی در مواضع هفت‌گانه سجده؛ یعنی قرار دادن پیشانی، دو دست، دو زانو و دو انگشت بزرگ پا رعایت آن مقداری که عرف بر آن جاری است، کافی بوده و در نتیجه آن دقت‌ها و موشکافی‌هایی را که فقها نموده‌اند، لزومی ندارد. به عنوان مثال بعضی از فقها در ارتباط با دو دست معتقدند که علاوه بر کف، انگشتان و میج دو دست نیز باید روی زمین باشد یا در مورد زانو، خود زانو (یعنی مفصل بین ران و ساق پا) باید روی زمین قرار گیرد، هر چند که بدن انسان در حال سجده امتداد پیدا کند. با توجه به نظر مرحوم اشرفی (به لحاظ عرفی) همین که کف دست بر روی زمین قرار گیرد، کفایت و یا در دو انگشت بزرگ پا در دو انگشت بزرگ پا احوط رساندن سرهای انگشتان به زمین است، هر چند که اطراف آن و یا باطن آن به زمین نرسد. در



مورد زانوها نیز قدر معتدً به عرفی ملاک است و آن قرار گرفتن روی زانو است اگرچه روی مفصل قرار نگیرد، به خصوص این که اگر کسی بخواهد در سجده روی مفصل زانو قرار گیرد چه بسا امتداد بدن به گونه‌ای می‌شود که حالت درازکش پیدا می‌کند و این از نظر عرف غیر عادی است. (۱۳) به نظر فقها در ذکر تشهد می‌توان به جای «الحمدالله» ذکر «بسم الله و بالله و الحمدالله و خیرالاسماء لله» را خواند و روایات نیز بر همین مورد دلالت دارند. اما به نظر علامه اشرفی می‌توان ذکر مزبور را در همه جا بجا آورد و استحباب آن اختصاصی به تشهد اول یا دوم ندارد. بر اساس این نظر مثلاً در رکوع و سجود هرگاه نمازگزار بخواهد به جای ذکر «سبحان الله و بالله و الحمدالله و خیرالاسماء لله» را بخواند.

(۱۴) به نظر مشهور فقهاء (نجفی، ۱۳۶۵، ۲۳، ۳۳۶) ربا در هر نوع معاوضه‌ای ثابت است و این تعمیم به مقتضای لغوی و عرفی ربا است، چون ربا در لغت و عرف به معنای زیادتی در مبادله دو چیز هم جنس است. در شرع نیز عبارت است از زیادتی در معامله هنگامی که عوض و معوض مکیل و موزون و مثلین باشند و این اختصاص به بیع ندارد بلکه در همه معاوضات جاری است. برخی دیگر از فقهاء ربا را فقط در بیع ثابت دانسته و به طور مطلق صلح ربوی در معاوضات دیگر را جایز می‌دانند. استدلالشان این است که اولاً حقیقت ربا در عرف و شرع عبارت است از بیع مثل به مثل در مکیل و موزون با وجود تفاضل در یکی از آن دو. ثانیاً ثبوت ربا در بیع مورد اتفاق همه فقهاء است اما در سایر معاوضات این مسئله مورد تردید است و لذا باید به قدر متقین اکتفاء کرد و به دلیل «اصاله الحلیه» فقط در همان بیع ثابت دانست. (ابن ادریس، ۱۴۱۳، ۱۴، ۲۹۸- علامه حلی، بی تا، ۱۴، ۵۲۹)

به نظر مرحوم اشرفی در صورتی که طرفین معامله دو چیز هم جنس را که در یک طرف آن زیادتی باشد، به نحو مصالحه با هم معاوضه نمایند، ربا محسوب نمی‌شود. وی گوید: «بلکه به نظر احقرانام قوی می‌آید صحت صلح ربوی و عدم حرمت ربا در صلح، خصوصاً در جایی که منظور اخذ عوض متعذبانه نباشد و خصوصاً در جایی که معاوضه عین به عین نباشد بلکه به منزله دو بخشش باشد اگرچه هر یک به ازای دیگر باشد.» نکته قابل توجه این که به نظر ایشان در صورتی صلح ربوی جایز است که اولاً زیادتی که طرف مقابل می‌گیرد، زیاد نباشد، ثانیاً مصالحه از



نوع معاوضه عین به عین نباشد، به این معنا که مثلاً یک طرف بگوید: «من ۲۰۰ کیلو گندم را با شما مصالحه می‌کنم و تو در مقابل ۳۰۰ کیلو گندم به من پرداخت نما» بلکه مصالحه به منظور بخشش باشد. وی در مثالی که می‌آورد، گوید: «پس اگر از زید گندمی باشد در نزد عمرو، و از عمرو گندمی باشد در نزد زید و هر یک قدر آن را ندانند، پس احدهما به دیگری بگوید به عنوان صلح و سازش، که گندمی که از من نزد توست مال تو باشد و گندمی که از تو در نزد من است مال من باشد، آن دیگری هم قبول کند، بی‌عیب است، چنان که مستفاد از نصوص مستفیضه است و بالجمله اظهر در نزد احقر صحت صلح ربوی و معتفر بودن ربا است در صلح.»

(۱۵) به نظر مشهور فقها در حواله علاوه بر رضایت محیل و محال^۱ له (محتال) قبول محال علیه نیز لازم است. (شهیدثانی، بی‌تا، ۴، ۱۳۵ - نجفی، ۱۳۶۵، ۲۶، ۱۶۰) ملا محمد اشرفی در این مورد قایل به تفصیل شده و معتقد است که اگر ذمه محال علیه مشغول نباشد، رضایت او شرط است، چنان که در رساله فقهیه‌اش آرد: «حواله صحیح است به شرط راضی بودن حواله کننده و حواله کرده شده و همچنین شخصی که حواله بر او می‌شود علی‌الاحوط و بلاشبهه در صورتی که آن شخص بری^۲ الذمه باشد و لکن واجب نیست.» اما اگر ذمه محال^۱ علیه مشغول باشد به مثل آنچه که در ذمه محیل است، قبول او در حواله شرط نیست.

در شعایر الاسلام آمده: «سؤال: زید طلب داشت از عمرو، بعد از انقضای مدت زید مطالبه تنخواه نمود. عمرو حواله داد او را مثلاً نزد بکر و سندی که به اسم بکر داشت به او داد. بکر هم حاضر نبود که قبول حواله نماید. آیا همین قسم از حواله صحیح است یا خیر؟ (آیا) باید محیل و هم محتال و محال علیه حاضر باشند تا قبول نمایند و بری الذمه شوند یا خیر؟ همین قدر که سند را به او داد که برود از فلان کس بگیرد، او هم قبول کرد، این قسم صحیح شرعی است؟ جواب: به نظر احقر در حواله در صورتی که ذمه محال علیه مشغول باشد به مثل آنچه در ذمه مدیون (محیل) بود، رضا و قبول محال علیه شرط نیست، بلکه کافی است ایجاب و قبول از محیل و محتال). (۱، ۱۱۶)

۴- آراء تأمل بر انگیز فقهی

هرچند که شخصیت فقهی حجت الاسلام اشرفی و نظریات فقهی او از جایگاه والا و ویژه‌ای

برخوردار است اما به نظر می‌رسد در مواردی از کتاب «رساله فقهیه» او نکاتی مطرح شده که جای تأمل است:

۱- چنان که آمد، مرحوم اشرفی ربا را فقط در بیع جاری دانسته و در مصالحه هرگاه دو چیز هم جنس در یک طرف آن زیادتی باشد، ربا محسوب نمی‌شود. به نظر می‌رسد با توجه به روایات و قواعد فقهی قول به تعمیم ربا در همه معاوضات قوی‌تر است. توضیح مطلب این که روایات زیادی وجود دارد که در آن ربا در همه معاوضات ثابت دانسته شد. (شیخ حرّ عامل، ۱۴۰۳، ج ۱۲، باب ۸ و ۹ و ۱۰ از ابواب ربا) این روایات دلالت دارد بر این که به طور کلی در هر نوع معاوضه‌ای معامله دو چیز هم جنس که مکیل و موزون باشند بازیدتی در یک طرف آن، جایز نبوده و اختصاصی به بیع ندارد.

نکته مهم این که اگر در بعضی از روایات آمده ربا در بیع جایز نیست به این جهت است که در آن زمان بیع معامله‌ای شایع و رایج در میان مردم بوده و اکثر معاملات از طریق بیع صورت می‌گرفت. به علاوه صرف کثرت وجود و مصداق نمی‌تواند دلیل بر این باشد که معامله را منصرف به بیع بدانیم بلکه مبادله و معاوضه اعم از بیع بوده و شامل هر نوع معاوضه‌ای می‌شود. از طرف دیگر روایاتی که دلالت بر حکمت تحریم ربا دارد نیز عام بوده و مختص به بیع نیست. (همان)

تعمیم ربا در کلیه معاوضات را می‌توان افزودن بر روایات از قاعده معروف «لایکون الربا الا فیما یکال اویوزن» (همان، ۴۳۴) نیز استفاده نمود زیرا این قاعده مبین این نکته است که در تمام کالاها و اشیاء کیلی و وزنی امکان وقوع ربا هست، خواه آن کیلی و وزنی در قالب بیع و قرض مبادله شود یا در قالب صلح و هبه معاوضه.

۲- به نظر مشهور فقها بنا بر احتیاط، شخص برهنه که به هیچ وجه دسترسی به پوشش نداشته باشد، به هنگام نماز و در حالت ایستاده باید جلوی خود را با دست بپوشاند و با اشاره رکوع و سجود را بجا آورد، هر چند که ناظر محترمی نباشد اما به نظر مرحوم اشرفی «لازم نیست بر شخص عریان در حال صلاه گذاشتن دست بر عورت، به این معنا که وضع ید شرط صحّت صلاه نیست اگرچه از باب وجوب ستر از ناظری محترم، لازم باشد.» به نظر می‌رسد در حال نماز که انسان در برابر خداوند و به قصد تقرب الی الله به این عمل مهم عبادی می‌پردازد، ستر عورت در



هر حال واجب است و مکشوف بودن آن با مقتضای صلاح منافات دارد.

۳- حجت الاسلام اشرفی در ارتباط با عدالت امام جماعت، عدالت ظاهری و فعلی را کافی دانسته و عدالت نفسانی را شرط نمی‌داند. عدالت فعلی و ظاهری عبارت است از این که فرد متصف به آن در جامعه به درستکاری، راستگویی، امانت‌داری و عدم ظهور فسق معروف بوده و دارای حُسن ظاهر باشد و نیز از اموری که مروّش را ساقط می‌کند، اجتناب نماید. (شیخ طوسی، ۱۳۸۷، ج ۸، ۲۱۷) اما عدالت نفسانی یعنی ملکه و حالت نفسانی که موجب می‌شود انسان گناه کبیره انجام ندهد و اصرار بر گناه صغیره نداشته باشد. (فاضل مقداد، ۱۳۴۳، ج ۲، ۳۸۴)

مرحوم اشرفی در بحث نماز جماعت در مورد عدالت امام جماعت گوید: «این که عدالت اگرچه در واقع ملکه‌ای است که مانع شود مکلف را از ارتکاب کبیره و اصرار بر صغیره... و لکن کفایت می‌کند در ظاهر حَسَن. همین که شخص ظاهر او محفوظ است از فسق که به سبب ظهور آثار و خوف الهی موثوق به است، کافی است و مخصوصاً ظن به این که واقعاً نسبت به جمیع انحاء معاصی صاحب ملکه راسخه است، ضروری نیست. همین که ظاهر الصلاح است، شرعاً عادل است... و محتمل است بودن امر در عدالت ظاهری اوسع از آنچه گفتیم.»

صرف نظر از ادله قائلین به عدالت نفسانی و عدالت فعلی و نقض و ابرام آن که خود مقاله مستقّلی را می‌طلبد، آنچه به نظر می‌رسد این که نمی‌توان در باب عدالت امام جماعت، عدالت فعلی و ظاهری را بدون لحاظ ملکه نفسانی در نظر گرفت، هرچند که حصول ملکه عدالت نفسانی و احراز آن نسبت به کلّ معاصی بسیار پیچیده و نادرالوقوع است. از این رو در جمع بین دو نظریه مزبور می‌توان قایل به «عدالت حداقلی» شد و ملاک اعتبار این ملکه نفسانی در امام جماعت حال متعارف اوست نه حالت کمال وی. بنابراین آنچه در عدالت نفسانی معتبر می‌باشد حداقل آن است که انسان به واسطه آن هیچ تمایل قلبی و درونی به انجام گناه نداشته باشد، هرچند که ممکن است در مواردی نادر به دلیل جایز الخطا بودن انسان و غلبه شهوات و تمایلات نفسانی مرتکب گناه گردد.

۴- به نظر مرحوم اشرفی در بیع صرف عوضین باید در مجلس معامله قبض و اقباض شود وگرنه به هر مقدار که قبض شد معامله در همان مقدار صحیح است. وی گوید: «وشرط است در

بیع صرف یعنی بیع طلا و نقره این که در مجلس مباحه حصال شود قبض هر دو عوض. پس اگر اصلاً قبض نشود، مطلقاً باطل است و اگر بعضی قبض شود دون بعضی، بالنسبه باطل است.» به عنوان مثال هرگاه کسی بخواهد دیناری را که مساوی ده درهم است با دیناری که مساوی بیست درهم است، معامله کند، بدیهی است معامله به مقدار ده درهمی که داده صحیح است و در این صورت نصف دینار بیست درهمی را مالک می‌شود و در نصف دیگر معامله باطل است.

به نظر می‌رسد در معامله مزبور حکم به بطلان در نصف دیگر که به نظر مرحوم اشرفی ثابت است، مطلق نبوده و در شرایطی می‌توان حکم به صحت آن نیز داد، به این معنا که خریدار دینار ده درهمی را بدهد و با آن نصف دینار بیست درهمی را بخرد، آنگاه همان ده درهم را که به بائع داده از او قرض کرده و در همان مجلس معامله به او پرداخت نماید و بدین ترتیب بقیه را مالک شود. بعضی از فقها چنین راه حلی را صحیح دانسته‌اند. (صهرشتی، بی‌تا، ج ۲، ۲۵۲-۱۳- علامه حلی، بی‌تا، ج ۱۴، ۵۱۸)

۵- یکی از راه حل‌های مطرح شده در باب فرار از ربا ضمّ ضمیمه است، به این معنا که متعاقبین چیزی را که از جنس آن نیست، ضمیمه نمایند. مثلاً صد کیلوگندم را به اضافه یک کبریت در مقابل صد و پنجاه کیلوگندم معامله کنند، در این صورت ۱۰۰ کیلو گندم در برابر ۱۰۰ کیلوگندم و یک کبریت در مقابل ۵۰ کیلو گندم قرار گرفته و باهم معامله می‌شوند. مرحوم اشرفی گوید: «و می‌توان در مورد ربا حيله کرد به ضمیمه کردن غیر به سمت ناقص.»

به نظر می‌رسد راه حلّ مزبور نمی‌تواند مشکل شرعی حرمت ربا را برطرف نماید زیرا ضمیمه در اینجا مقصود واقعی طرفین نیست بلکه مقصود اصلی آنها ربا است. در حقیقت این گونه حيله‌ها نوعی «کلاه شرعی» است و به گفته امام خمینی با کتاب و سنت و نیز با حکمت تحریم ربا که همانا تشویق مردم به انجام کارهای خیر و تجارت مشروع است، منافات دارد. (امام خمینی، ۱۴۱۰، ج ۲، ۴۰۹- همان، ج ۵، ۳۵۳)

از طرف دیگر به نظر می‌رسد روایت عبدالرحمان بن حجاج (شیخ حرّعاملی، ۱۴۰۳، ج ۱۲، ۴۶۶ و ۴۶۷) که مهم‌ترین دلیل و مدرک بر صحت «ضمّ ضمیمه» در باب ربا است، هیچ دلالتی بر آن ندارد. توضیح این که در این روایت عبدالرحمان بن حجاج که راوی حدیث نیز هست از امام



صادق(ع) در مورد صرافی و تبدیل درهم به درهم سؤال کرده و گوید: به امام گفتم: دوستان من آماده سفر شده‌اند و من می‌خواهم همراه آنان بروم ولی فرصت این که پول مناسب بردارم، ندارم. از این رو مجبور شدم هزار و پانصد عدد از پول غیر مرغوب را به هزار عدد پول مرغوب که همان پول دمشقی و بصری است، تبدیل کنم؟ آیا جایز است؟ حضرت در پاسخ فرمودند: در این کار خیر نیست و آن را انجام نده، چون در اینجا در مقابل زیادتی طرف مقابل چیزی(به عنوان ضمیمه) قرار نگرفته است. سپس راوی گوید: دوباره از امام(ع) پرسیدم که یک هزار درهم به ضمیمه یک دینار را به دو هزار درهم معامله می‌کنم، آیا این جایز است؟ حضرت فرمود: اشکال ندارد و پدرم همین کار را در مدینه انجام می‌داد.

نکته قابل تعمق در این حدیث آن است که ضمّ ضمیمه‌ای که امام(ع) جایز دانسته برای فرار از ربا نیست بلکه برای ایجاد تعادل بین دو چیز هم جنسی است که از لحاظ قیمت و ارزش مساوی نیستند. در حقیقت هزار و پانصد عدد پول نامرغوب از لحاظ قیمت و ارزش مساوی است با هزار عدد پول مرغوب ولی چون هم جنس و مماثل هم می‌باشند، معاوضه آن دو جایز نیست. بنابراین برای فرار از مماثلت، حضرت حکم به صحت ضمّ ضمیمه کرده است تا بدین وسیله هزار عدد پول نامرغوب با هزار عدد پول مرغوب و ۵۰۰ عدد پول نامرغوب بایک دینار معاوضه گردد. اگر کمی تأمل شود معلوم می‌گردد که در چنین معاوضه‌ای ربای در واقع تحقق پیدا نکرده و ضمّ ضمیمه در مورد مزبور در حقیقت برای فرار از ربا نیست بلکه برای فرار از مماثلت است.

برای توضیح بیشتر ذکر مثالی لازم است: صد کیلو برنج طارم و صد کیلو برنج ندا در ارزش و قیمت برابر نیستند و از طرف دیگر مبادله آن دو با زیادتی در یک طرف به دلیل هم جنس بودن جایز نمی‌باشد. از اینرو برای فرار از مماثلت می‌توان صد کیلو برنج طارم را با صد کیلو برنج ندا و ۵۰ کیلو برنج ندا را با یک کبریت معاوضه نمود. در چنین صورتی واقعاً ربایی تحقق نیافته و حکم به صحت ضمّ ضمیمه برای حلّ مشکلات اقتصادی مردم در مبادلات است.

نتیجه:

«رساله فقهیه» حجت‌الاسلام اشرفی یکی از منابع معتبر فقهی و به لحاظ ویژگی‌های بارز آن



در زمره مهم‌ترین تألیفات در حوزه حقوق اسلام است. شیوه نگارش مؤلف در طرح مباحث فقهی، اشاره به نظرات فقها و تبیین مسایل همراه با فروع آن، کتاب مزبور از حدّ یک رساله عملیه خارج نموده و از این رو می‌تواند برای اهل فن و محققین در رشته فقه و حقوق اسلامی بسیار مفید باشد.

مرحوم اشرفی در مباحث مطروحه گاه ضمن طرح نظریات فقهای دیگر آراء خود را نیز ارائه کرده که در این میان بعضی از نظریات او را می‌توان از جمله فتاوی خاصّ دانست که یا برای اولین بار مطرح شده و یا برخلاف نظر مشهور فقها است. برخی از این نظریات در مواردی مصون از تأمل نبوده که در این مقاله به چند نمونه از آن اشاره شده است.

فهرست منابع:

۱. ابن ادریس، ابومنصور محمد، (۱۴۱۳)، **السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی**، چاپ در سلسله الینایع الفقهیه، علی اصغر مروارید، بیروت، مؤسسه فقه الشیعه، چاپ اول.
۲. اشرفی، ملامحمد، (۱۳۰۱)، **رساله فقهیه (عملیه)**، نسخه خطی، وزیری.
۳. _____، (۱۳۸۵)، **شعائر الاسلام**، تصحیح و تعلیق، دکتر احمد باقری، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول.
۴. اعتماد السلطنه، محمد حسن خان، (بی‌تا)، **المآثر و الآثار**، انتشارات سنایی.
۵. امام خمینی، روح الله الموسوی، (۱۴۱۰)، **البیح**، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
۶. امامی خوبی، صدرالاسلام محمد امین، (بی‌تا)، **مرآة الشرق**، تصحیح: علی صدراپی، قم، انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
۷. تهرانی، آقابزرگ، (۱۴۰۴)، **الکرام البرره**، مشهد مقدس، دارالمرتضی.
۸. حبیب آبادی، محمدعلی، (۱۳۷۷)، **مکارم الآثار**، اصفهان مؤسسه نشر نفائس، مخطوطات اصفهان.
۹. حجتی، مریم، (۱۳۸۶)، آسمان در آینه، قم، انتشارات آفتاب خوبان، چاپ اول.
۱۰. شهید ثانی، زین الدین الجبعی العاملی، (بی‌تا)، **شرح لمعه (الروضه البهیة فی شرح اللمعه دمشقیه)**، بیروت، دارالعالم الاسلامی.



۱۱. شیخ حرّعاملی، محمّد بن حسن، (۱۴۰۳)، **وسایل الشّیعه الی تحصیل مسایل الشّریعه**، بیروت، داراحیاء التّراث العربی.
۱۲. شیخ طوسی، محمد بن حسن، (۱۳۸۷)، **المبسوط فی فقه الامامیه**، تهران، المکتبه المرتضویّه الاحیاء الآثار الجعفریّه.
۱۳. صهرشتی، نظام الدّین ابوالحسن، (بی تا)، **اصباح الشّیعه بمصباح الشّریعه**، چاپ در سلسله اینابیع الفقهیّه.
۱۴. علامه حلّی، حسن بن یوسف، (بی تا)، **قواعد الاحکام**، چاپ در سلسله اینابیع الفقهیّه.
۱۵. فاضل مقداد، شیخ جمال الدّین، (۱۳۴۳)، **کنزالعرفان فی فقه القرآن**، تصحیح و تعلیق از شیخ محمد باقر شریف زاده و محمد باقر بهبودی، تهران، المکتبه المرتضویّه الاحیاء الآثار الجعفریّه.
۱۶. مدرس، میرزا محمدعلی، (بی تا)، **ریحانه الادب**، انتشارات کتابفروشی خیام، چاپ سوم.
۱۷. نجفی، شیخ محمد حسن، (۱۳۶۵)، **جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام**، تهران، دارالکتب الاسلامیّه، چاپ دوم.

